



بررسی دو دیدگاه

دکتر سیاوش شاه محمدی (پزشک - عطار)

افراط و تفریط همواره انسان را از بسیاری نعمات محروم کرده و تعصب انسان را از ادراک حقایق و استفاده هر چه بهتر از آنها باز می دارد. حال در هر موردی تعصب یا افراط و تفریط کنیم در آن حوزه دچار اشکال خواهیم شد. امروزه با توجه به رشد روز افزون صنعت گیاهان داروئی و استقبال جهانی از طب سنتی، در میان جوامع مختلف شاهد افراط و تفریط و تعصب در مورد طب سنتی یا طب جدید می باشیم. برای مثال، برخی مردم نسبت به بی ضرر بودن گیاهان داروئی تعصب دارند و معتقدند که «گیاهان داروئی اگر نفعی نداشته باشند، ضرری هم ندارند» و این جمله تقریباً بین گروهی از دوسنداران طب طبیعی جا افتاده است و آن را نیز اشاعه می دهند. آیا واقعیت چنین است؟ آیا امکان ندارد یک گیاه داروئی درجه ای از سمیت داشته باشد؟ آیا نباید مزاج یک دارو با مزاج فرد هماهنگ باشد؟ معمولاً کسانی که این دیدگاه را دارند، اهل مطالعه نیستند و گرنه کلمه «مصلح» خود بیانگر این است که داروی مورد نظر عوارضی داشته، مصلح آن را اصلاح می نماید، گرچه مصلح وظایف دیگری نیز دارد. نظر افراد دیگر عدم استفاده از داروهای شیمیایی تحت هر شرایطی می باشد. افرادی با این دیدگاه حتی اگر در معرض تهدید جدی مانند یک عفونت تنفسی یا آبسه هم باشند، باز بر عدم استفاده از آنتی بیوتیک اصرار می ورزند. از آزمایش خون و تصویربرداری طفره می روند، در صورتی که بسیاری از بیماران در مراحل

اولیه بیماری با آزمایشها یا تصویربرداری که به صورت تصادفی یا اجباری انجام گرفته، متوجه یک بیماری مخفی شده و به درمان و پیشگیری از پیشرفت بیماری می پردازند. تقریباً همه ما علیه بیماری های کشنده ای مانند: کزاز، دیفتری، سرخک و فلج اطفال واکسینه شده ایم و سلامت خود را مدیون این کشف مهم هستیم. پس باید تعصب ها را کنار گذاشت. باید بر روی بیماری، علت ایجاد، نحوه بررسی، پیشگیری و درمان آنها با هر دو دیدگاه حکمت سنتی و طب جدید به طور عادلانه مطالعه کرد و سپس دست به عمل زد. شاید در برخی موارد درمان سنتی و در بعضی اوقات درمان شیمیایی ضرورت داشته باشد. متأسفانه، امروز در میان برخی پزشکان، به خصوص گروه متخصص و فوق تخصص، نوعی جبهه گیری سخت نسبت به درمان های طبیعی وجود دارد که بیماران آنها را از درمان های ساده ولی مؤثر گیاهی و طبیعی محروم می کند. روی سخن با این گروه نیز هست، چه بسیار بیماریهایی که هزینه های بالایی هم برای خانواده و هم اجتماع و دولت در بردارند اما بایک درمان ساده و سنتی قابل علاجند. همکاری این دو مکتب درمانی می تواند در ارتقای سطح سلامت و بهبود بیماری ها اثر معجزه آسایی داشته باشد. هر یک ضعف های یکدیگر را پوشش داده و از نقاط قوت هم استفاده کنند که بهره نهایی و اصلی نصیب بیمار و سلامت جامعه خواهد شد. ■